

## عثمان ذی النورین رضی الله عنه

### سومین جانشین رسول الله صلی الله علیه وسلم

حضرت عمر رضی الله عنه در آخرین لحظات خود، شش نفر از اصحاب را به عنوان اعضای شورا انتخاب کرد که آنان از میان خود یکی را به جانشینی وی بر گزینند. این شش نفر عبارت بودند از: عثمان بن عفان، علی ابن ابی طالب، طلحه بن عبیدالله، زبیر بن عوام، سعد بن ابی وقاص و عبدالرحمن بن عوف (رضی الله عنهم)<sup>(1)</sup>. ایشان از اینکه به طور معین یکی از اینها را به خلافت انتصاب کند، اجتناب کرد و گفت (نمی خواهم بار خلافت را هم در حال حیات و هم بعد از مرگ بدوش بکشم. اگر خداوند به شما اراده ی خیری داشته باشد، شما را به بهترین آنها متفق خواهد نمود، همان گونه که بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه وسلم بر بهترینتان متفق گردانید)<sup>(2)</sup>.

تقوی و خدا ترسی بی شایبه ی، وی را بر آن داشت تا سعید بن زید را- هر چند او نیز از جمله ده نفر بشارت یافته به بهشت (عشره مبشره) بود- از اعضای شورا قرار ندهد. زیرا او پسر عمویش بود و می ترسید که مبادا به خاطر مراعات نسبتش با امیرالمومنین او را انتخاب کنند، بنابراین نام او را به میان نیاورد. به اهل شورا گفت که پسرش عبدالله- که از فقهای صحابه بود- در شورا- به عنوان ناظر- حضور یابد، ولی حق انتخاب نداشته باشد. و وصیت نمود که صهیب رومی تا سه روزی که کار شورای انتخاب خلیفه به پایان می رسد، امام جماعت مسلمین باشد و توصیه کرد مردم اهل شورا را در این امر یاری کنند، نیز فرمود: (گمان نمی کنم مردم کسی را بر عثمان و علی ترجیح دهند).

پس از پایان مراسم تشییع و تدفین سیدنا عمر رضی الله عنه حضرت مقداد بن اسود، اهل شورا را در خانه ای فرا خواند. بعد از مدتها بحث و تبادل نظر به این نتیجه رسیدند که سه نفر از آنان به نفع سه نفر دیگر کنار روند؛ زبیر به نفع علی و سعد به نفع عبدالرحمن بن عوف و طلحه به نفع عثمان کنار رفتند و حق خود را به آنها بخشیدند. سپس عبدالرحمن به عثمان و علی رو

کرد و گفت: (کدامیک از شما نیز از حق خود دست بر می دارید تا حق انتخاب از میان دو نفر باقی مانده به او سپرده شود؟ و او نیز با در نظر گرفتن خدا و مصلحت دین، برترین را انتخاب کند)، عثمان و علی هر دو سکوت کردند. لذا خود عبدالرحمن از حق خود منصرف شد و گفت: ((خداوند را بر عملکرد خود ناظر دانسته و مصلحت اسلام را در نظر خواهم گرفت، و در انتخاب بهترین شما تمام تلاش خود را به کار خواهم برد))، عثمان و علی هر دو موافقت کردند. سپس عبدالرحمن با هر یک از آنها به طور جداگانه صحبت کرد و فضایل آنها را بر شمرد و از هر کدام از آنان عهد گرفت که اگر به خلافت انتخاب شد، از او اطاعت کرده و بر این امر راضی باشد، که هر دو پذیرفتند.

با این که عبدالرحمن رضی الله عنه در همان لحظه ی اول می توانست یکی از آن دو نامزد را انتخاب کند، ولی بدون مراجعه به آرای عمومی و تحقیق و مشورت با مسلمانان از این کار خودداری نمود و تمام ساعات این سه شبانه روز را در نماز و استخاره و دعا و همه پرسشی از فرماندهان سپاه، بزرگان صحابه از مهاجرین و انصار و اقشار مختلف مردم حتی زنان خانه دار و نوجوانان و کودکان مکتبی و مسافرانی که از اطراف به شهر مدینه می آمدند، صرف نمود. از آنان هم در خلوت و هم در محافل عمومی نظر خواهی کرد و از آراء مردم نسبت به این دو نامزد مطلع گشت.

روز چهارم وفات سیدنا عمر که مدت انتخابات پایان می یافت، عبدالرحمن رضی الله عنه بار دیگر اهل شورا و عثمان و علی را در همان خانه فرا خواند و خطاب به آنها گفت: ((من در مورد شما از مردم نظر خواهی کرده ام، هیچ کسی منکر فضیلت شما نیست))؛ سپس مجدداً از آنان عهد گرفت که در صورت انتخاب هر یک از آنان دیگری باید راضی باشد و از فرد منتخب باید اطاعت کند. آنگاه همراه آنان به سوی مسجد رهسپار شد. در این روز حضرت عبدالرحمن عمامه ای را بر سر گذاشته بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم به ایشان عنایت کرده بود، نیز شمشیر به دوش انداخته بود. افراد خاصی را فرستاد تا شخصیت های مهم مهاجران و انصار را خبر کنند. برای نماز، اذان داده شد. جمعیت به حدی فشرده و چسبیده به هم نشسته بودند که عثمان در قسمت آخر مسجد جایی پیدا کرد و نشست. عبدالرحمن بر منبر پیامبر صلی الله علیه وسلم بالا رفت و بعد از کمی توقف و خواندن چند کلمه دعا، که بسیاری از مردم بر اثر ازدحام

آن را نشنیدند، خطاب به عموم گفت: ((ای مردم، من در این مدت چه به طور خصوصی و چه به طور علنی، درباره ی این دو مرد از همه ی شما نظر خواهی کرده ام، دیدم شما هیچ احدی را برای این کار بهتر از علی و عثمان نمی دانید؛ اینک وقت آن است که یکی از آنها انتخاب شود))؛ سپس رو به حضرت علی کرد و گفت: ((ای علی جلو تشریف بیاور!))، علی جلو آمد و کنار منبر ایستاد، عبدالرحمن دست او را گرفت و به او گفت: ((آیا عهد می کنی که مطابق کتاب خدا و سنت پیامبر و روش ابوبکر و عمر رفتار کنی؟)). علی در جواب گفت: ((خیر! ولی به اندازه توانایی خود در ادای امر خلافت تلاش خواهم کرد)). عبدالرحمن دست او را گذاشت و عثمان را نزد خود فراخواند، او نیز آمد، عبدالرحمن دست او را گرفت و گفت: ((با من عهد می کنی اگر به خلافت انتخاب شدی مطابق کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم و به روش ابوبکر و عمر رفتار کنی؟)). عثمان گفت: ((آری<sup>3</sup>)). عبدالرحمن پس از شنیدن این جواب در حالی که دست عثمان را گرفته بود، سرش را به سوی آسمان بلند کرد و سه مرتبه گفت: ((خدا یا بشنو و گواه باش؛ خدا یا آنچه در این باره بر عهده ی من بود اکنون به عهده ی عثمان واگذار نمودم)). مردم با شنیدن این جمله ها برای بیعت با عثمان به سوی منبر هجوم آوردند. در این هنگام عبدالرحمن بالای منبر در جای پیامبر صلی الله علیه وسلم نشست و عثمان را پایین تر بر پله ی دوم نشانند و مردم با طیب خاطر با او بیعت می کردند، و سیدنا علی مرتضی طبق تعهد خود در ابتدا با ایشان بیعت کرد؛ بعضی گفته اند در آخر بیعت کردند.<sup>(4)</sup>

### مقام و مرتبت دینی و اجتماعی سیدنا عثمان رضی الله عنه

انتخاب حضرت عثمان رضی الله عنه متناسب با سن و فضایل و جایگاه عرفی و اجتماعی والای او در جامعه ی اسلامی عربی بود.

وی در سال ششم عام الفیل دنیا آمد و از رسول خدا صلی الله علیه وسلم پنج سال کوچکتر بود، قبل از اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم به ((دار ارقم)) برود او مسلمان شده بود. رسول خدا قبل از هجرت، در مکه، دخترش رقیه رضی الله عنها را به نکاح او در آورد. هنگامی که آزار قریش بر مسلمین شدت گرفت، عثمان از پیامبر اجازه خواست تا به حبشه هجرت کند، لذا با اجازه ی پیامبر، با همسرش رقیه به حبشه هجرت نمود؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم در حق آنها فرمود: ((این دو همسر، نخستین کسانی هستند که بعد از آل ابراهیم و لوط علیهم السلام

در راه خدا هجرت کردند)). عثمان بعد از مدتی از حبشه بازگشت و دومین بار به مدینه هجرت گاه رسول خدا هجرت نمود. چون رقیه وفات کرد، رسول خدا صلی الله علیه وسلم دختر دیگرش ام کلثوم رضی الله عنها را به ازدواج حضرت عثمان درآورد؛ چون ام کلثوم از دنیا رفت رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ((اگر دختر دیگری می داشتیم، به تو می دادم)). این فضیلت و خصوصیتی است که نصیب کسی جز عثمان نشده است و به همین دلیل ذوالنورین لقب یافت. عثمان رضی الله عنه نزد قریش محبوبیت و احترام زیادی داشت؛ چنانکه وقتی رسول خدا از عمر بن خطاب رضی الله عنه خواست تا در سلح حدیبیه نزد قریش برود او گفت: ((آیا کسی را که بیش از من مورد احترام است معرفی نکنم؛ او عثمان است)). رسول خدا صلی الله علیه وسلم عثمان را خواست و به عنوان سفیر به سوی ابوسفیان و اشراف قریش اعزام کرد. عثمان به شهر مکه وارد شد و پیام رسول الله صلی الله علیه وسلم را به اطلاع سران قریش رسانید. قریش به او گفتند: اگر مایل باشد می تواند کعبه را طواف کند، ولی عثمان گفت: تا رسول خدا طواف نکند، هرگز امکان ندارد من طواف کنم.<sup>(5)</sup>

چون بازگشت، مسلمین گفتند: ((ای ابوعبدالله خوشا به حال تو که از لذت طواف خانه خدا بهره مند شدی!!))؛ عثمان برآشفته و گفت: ((چه گمان بدی! سوگند به خدایی که جانم به دست اوست اگر من یک سال تمام هم ماندم بدون رسول الله صلی الله علیه وسلم طواف نمی کنم، قریش پیشنهاد طواف دادند، اما من نپذیرفتم)).<sup>(6)</sup>

چون بازگشت عثمان رضی الله عنه به طول انجامید و شایع شد که عثمان بدست کفار به شهادت رسیده است، رسول خدا صلی الله علیه وسلم از مردم (به خاطر انتقام خون او) بیعت گرفت که تا پای جان بجنگد و فرار نکند. مسلمین پروانه وار به سوی پیامبر صلی الله علیه وسلم که در زیر سایه ی درخت نشسته بود، شتافتند و با ایشان بیعت کردند، و آن حضرت یکی از دو دست خود را در دیگری نهاد و فرمود: ((این دست عثمان است)).<sup>(7)</sup> و بدین ترتیب بیعت رضوان تکمیل شد.<sup>(8)</sup> (چه فضیلتی بهتر و چه مزیتی برتر از این که محبوب خدا دست خود را به جای دست او قرار دهد؟)

عثمان رضی الله عنه در نگاه عمر رضی الله عنه نیز محترم بود، هرگاه مردم از حضرت عمر درخواستی داشتند به عثمان و عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه متوسل می شدند. اگر از

دست این دو نفر نیز چیزی ساخته نبود، آنگاه مردم به عباس مراجعه می نمودند.<sup>(9)</sup> عثمان رضی الله عنه کسی است که لشکر اسلام را در جنگ تبوک مجهز کرد و چاه رومه را خرید و برای استفاده مسلمین وقف نمود.<sup>(10)</sup>

امام ترمذی از عبدالرحمن بن خباب روایت کرده که فرموده است: من در محضر پیامبر صلی الله علیه وسلم حاضر بودم که مردم را برای تجهیز جیش عسره<sup>(11)</sup> فرا خواند. عثمان گفت یا رسول الله صلی الله علیه وسلم من حاضرم صد شتر کمک کنم. سپس رسول خدا مردم را تشویق کرد، بار دیگر عثمان گفت: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم من دویست شتر با جهاز و مهار در راه خدا کمک می کنم. بار دیگر رسول خدا صلی الله علیه وسلم مردم را فرا خواند این بار نیز عثمان گفت: یا رسول خدا صلی الله علیه وسلم من سیصد شتر با جهاز و مهار در راه خدا کمک می کنم. آنگاه رسول خدا در حالی که از منبر پایین می آمد فرمود: ((اگر عثمان عملی غیر از این انجام ندهد، همین برای او کافی است)).

نیز ترمذی از انس و حاکم از عبدالرحمن بن سمره نقل می کنند که: حضرت عثمان در آن روز هزار دینار (سکه طلا) آورد و در دامان حضرت رسول نهاد. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ما ضر عثمان ما عمل بعد الیوم (از این پس هیچ کاری به عثمان آسیبی نخواند رساند) این جمله را دو بار تکرار کرد.

حاکم از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده که: عثمان دو بار بهشت را از رسول اکرم خریداری نمود؛ اول زمانی که چاه رومه را خرید و دوم زمانی که لشکر عسره را مجهز کرد.<sup>(12)</sup> در مدینه آبی شیرین از آب چاه ((رومه)) وجود نداشت. مالک این چاه یهودی طماعی بود. و مسلمانان به آب شیرین نیاز داشتند، لذا رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: هر کس چاه رومه<sup>(13)</sup> را بخرد و وقف کند و دلوی بر آن بگذارد تا عموم مردم از آب آن به صورت رایگان استفاده کنند، خداوند از نهرهای بهشت، چشمه ای به او اختصاص خواهد داد. حضرت عثمان آن چاه را به بیست هزار درهم خرید و برای استفاده مسلمین وقف کرد.<sup>(14)</sup> زمانی که حضرت عثمان زمام خلافت را بدست گرفت، مطابق سال شمسی 68 سال و مطابق سال قمری 70 سال از عمر وی می گذشت.

## فتوحات و گسترش دولت اسلامی در زمان عثمان رضی الله عنه

در زمان خلافت سیدنا عثمان رضی الله عنه فتوحات اسلامی به اوج رسید. محبت جهاد در راه خدا و شوق شهادت، دل نبستن به دنیا و تکیه نکردن به تعداد نفرات و امکانات جنگی و شجاعت و دلیری فوق العاده و مشاهده ی نصرت های آشکار خداوندی و عوامل دیگری که اسلام در قلوب مسلمین پدید آورده بود، سبب شد تا امواج خروشان فتوحات اسلامی به سرعت ممالک فارس، روم و شمال آفریقا را فراگیرد. و حکومت‌های بزرگ و شهرهای پرشکوه و جلال در مقابلشان سر تسلیم فرو آورند. شاید حکمت الهی و اراده ی خیری که خداوند نسبت به مسلمین داشت، موجب شد تا حضرت عثمان به جانشینی حضرت عمر رضی الله عنه برگزیده شود و سلسله فتوحات آغاز شده در زمان خلافت سیدنا عمر، کامل و گسترش یابد. زیرا اغلب کارگزاران شهرهای تازه فتح شده و اکثر فرماندهان لشکر و فاتحان، در دوران خلافت سیدنا عمر رضی الله عنه از خویشان نزدیک حضرت عثمان رضی الله عنه بودند، همچون معاویه بن ابی سفیان، عمر بن عاص، عبدالله بن سعد بن ابی سرح، مروان ابن حکم و ولید بن عقبه، و در نتیجه این فتوحات میلیونها انسان به آغوش پر مهر اسلام درآمدند، و این خود نعمت و خیر بسیار بزرگی بود. (15)

در زمان عثمان ذی النورین رضی الله عنه آذربایجان و طبرستان فتح شد. در همین دوران عبدالرحمن بن ربیع باهلی فاتحانه به سرزمین خزر وارد شد. خزر سرزمین وسیعی در ساحل دریای خزر (CASPIAN SEA) است، که بلاد دیلم و الجبل در آن واقع است. سپاه اسلام از آنجا به بلنجر و قهستان تا نیشابور و از طخارستان تا مرو رود و بلخ و خوارزم، و ارمنستان تا قالیقلا (ارزروم) و فتوحات ادامه یافت تا اینکه به تفلیس رسید. در زمان ایشان حضرت معاویه جزیره قبرص CYP صلی الله علیه وسلم US را فتح کرد و سواحل شمالی قاره آفریقا از طرابلس تا طنجه در قلمرو حکومت اسلامی قرار گرفت.

در زمان عثمان رضی الله عنه دولت اسلامی به ناوگان دریایی دست یافت؛ تعدادی کشتی از رومیان بدست آمد و تعدادی را هم معاویه و عبدالله بن سعد آماده نمودند. در این برهه دولت اسلامی به نیروی دریایی سخت نیاز داشت، زیرا فتوحات اسلامی به قدری وسعت یافته بود که

برای حفاظت از سرحدات به نیروی دریایی نیاز بود به خصوص که خطر حمله رومیان به قوت وجود داشت.<sup>(16)</sup>

سپاه اسلام در زمان سیدنا عمررضی الله عنه تمام سرزمینهای فارس، سوریه و مصر را فتح نموده بودند، اما در بعضی مناطق نیروهای اسلام کاملاً مستقر نشده بودند و مردم آن سامان به هر ندایی لبیک می گفتند و علیه حکومت اسلامی می شوریدند. سپاه اسلام در زمان سیدنا عثمان آنان را تحت فرمان و اطاعت خود درآورده، و پایه های حکومت اسلامی را مستحکم ساخت. این کار به نوبه ی خود فتحی مهم به شمار می آمد. از سوی دیگر مسلمین در زمان عثمان رضی الله عنه بلادی را فتح نمودند که سپاه اسلام پیش از آن به آنجا گام ننهاده بود.<sup>(17)</sup>

نیز در زمان خلافت سیدنا عثمان رضی الله عنه مسلمین، بلخ، هرات و کابل و بدخشان را زیر پرچم اسلام در آوردند و شورش در جنوب ایران باعث شد تا بر کرمان و سیستان دست یابند. و در اداره ی امور این شهرها و سرزمینهای تحت تصرف، همان خط مشی و سیاست عمررضی الله عنه را پیروی نمودند؛ یعنی بعد از تسخیر آنها بلافاصله اقدامات سریع و موثری برای افزایش درآمدهای آنها به عمل آمد، کاریزها کنده شده، جاده ها احداث گردید و درختان میوه کاشته شد، راههای بازرگانی با نیروهای امنیتی کاملاً امن و آرام شد.

تهاجمات و تاخت و تازهای روم شرقی از طرف شمال سبب گردید که سپاهیان اسلام تا آسیای صغیر و دریای سیاه پیش بروند. طرابلس غرب و برقه در قاره آفریقا و جزیره قبرس در مدیترانه فتح شدند. و نیروی دریایی نیرومند را که رومیان برای تصرف مصر در بندر اسکندریه گرد آورده بودند منهدم کردند.<sup>(18)</sup>

### نگاهی به خلافت راشده ی سیدنا عثمان رضی الله عنه

خلافت حضرت عثمان رضی الله عنه بر همان پایه های خلافت دو خلیفه ی قبلی مبتنی بود از نظر عدل و مساوات، اجرای احکام شریعت، امر به معروف و نهی از منکر و برقراری نظم و امنیت همانند گذشته بود.

در تاریخ طبری از سالم بن عبدالله نقل شده که: حضرت عثمان رضی الله عنه بعد از خلیفه شدن به جز سال آخر هر سال به حج خانه خدا می رفتند.... امنیت را برای مردم تامین کردند. به اعمال و والیان تمام مناطق اعلام کردند که هر سال در موسم حج حاضر شوند. همچنین

کسانی که از آنها شاکی هستند نیز حاضر شوند. همچنین برای مردم مناطق مختلف اعلامیه فرستادند که همه بر نیکویی عامل و از بدیها دوری کنند؛ اهل ایمان خود را ضعیف و ناتوان احساس نکنند؛ زیرا من مددکار مظلوم بوده و انشاءالله حق آنان را از ظالم خواهم گرفت. عملکرد مردم همواره چنین بود، مگر گروهی چند که از این روند سوء استفاده کرده و آن را وسیله تفرقه و ایجاد دو دستگی میان امت اسلامی قرار دادند.<sup>(19)</sup>

ابن کثیر در ((البدایه و النهایه)) می نویسد: حضرت عثمان رضی الله عنه تمام استانداران را ملزم ساخته بود تا در موسم حج حضور یابند، و در میان مردم اعلام می شد که هر کسی از دست مسئولان حکومتی شکایتی دارد، مراجعه کند تا حقش گرفته و به او داده شود.<sup>(20)</sup>

مفاخر عظیم و جاودان عثمان رضی الله عنه

یکی از بزرگترین و شایسته ترین اقدامات سیدنا عثمان این بود که جهان اسلام را بر یک مصحف و یک قرائت متحد گردانید. همانا دستور او به نوشتن نسخه های قرآن و ارسال آنها به تمام مراکز حکومتی سرزمین اسلامی به عنوان نسخه رسمی و متحد گردانیدن بر یک قرائت مشهور و متواتر، بزرگترین کارنامه خلافت عثمانی است.<sup>(21)</sup>

امام بدرالدین محمد بن عبدالله الزرکشی (متوفی 794ه) می نویسد:

مردم تا پیش از زمان عثمان مختار و آزاد بودند تا آنچه از قرآن را که یاد دارند به هر قرائتی که بخواهند، بخوانند. تا اینکه خوف فساد پیش آمده، آنگاه بر قرائتی که هم اکنون نیز رایج است متحد شدند. بیم مردم چنین مشهور است که عثمان رضی الله عنه قرآن را جمع نمود، ولی چنین نیست بلکه عثمان رضی الله عنه مردم را با مشورت و اتفاق نظر مهاجرین و انصار بر قرائتی که مهاجرین و انصار بر آن متفق بودند، واداشتند. زیرا لهجه اهل عراق و اهل شام با هم تفاوت داشت، و در قرائت قرآن و نیز تلفظ کلمات با هم اختلاف داشتند، عثمان جهت ریشه کن ساختن اختلاف قرائت و رسم الخط قرآن اقدام به چنین کاری نمود، زیرا که پیش از این قرآن با قرائتهای هفتگانه، که قرآن مطابق آن نازل شده است خوانده می شد. اما نخستین کسی است که قرآن را در مصاحف جمع کرد ابوبکر صدیق (ض) بود. از علی بن ابی طالب روایت شده است که فرمود: ((خدا رحمت ابوبکر را، او نخستین کسی است که قرآن را بین دو لوح جمع کرد)). صحابه در زمان ابوبکر و عمر رضی الله عنهما نیازی به اتفاق بر یک قرائت

احساس نکردند زیرا در زمان آنها، اختلافی مانند زمان عثمان رضی الله عنه پیش نیامد؛ همانا عثمانی به انجام کار بزرگی توفیق یافت که وحدت کلمه و ریشه کن شدن اختلاف قرائت و رسم الخط قرآن را تضمین کرد و امت اسلامی را از این بابت آسوده ساخت. (22)

سیدنا علی رضی الله عنه می گوید: ((اگر من به جای عثمان بودم، درباره ی نسخه های قرآن و تهیه ی مصاحف رسمی، همان کاری را می کردم که عثمان کرد))؛ ( لو ولیت ما ولی عثمان لعملت ما عمل) (23)

در البدایه و النهایه ابن کثیر، به نقل از سوید بن غفله آمده که علی بن ابی طالب گفت: ((ای مردم! درباره عثمان جز به نیکی سخن مگویید؛ می گوید که عثمان قرآنها را سوخت، به خدا سوگند هر چه با مصاحف انجام داد در حضور اصحاب محمد صلی الله علیه وسلم انجام داد، اگر من هم به جای او بودم همین کار را می کردم)). (24)

### توسعه ی مسجد نبوی

یکی دیگر از مفاخر عثمان رضی الله عنه توسعه ی مسجد نبوی بود. (25) مسجد نبوی در زمان رسول خدا با خشت خام و سقفی از شاخه درخت خرما و ستونهای چوبی بنا شده بود. حضرت ابوبکر چیزی به آن نیفزود. حضرت عمر آن را وسیعتر کرد و با همان خشت خام و سقف و ستون چوبی بنا کرد. ولی حضرت عثمان رضی الله عنه مساحت بسیار زیادی را به آن افزود و دیوارهایش را با سنگ های منقش بنا کرد و گچ کرد و ستونهای آن را از سنگهای منقش ساخت و تیرهای سقف آن را که قبلاً از چوب درخت خرما بود از چوبهای درخت کاج قرار داد. (26)

### مشکلات دوران خلافت سیدنا عثمان رضی الله عنه

چنان که قبلاً اشاره شد مسلمین در زمان خلافت عثمان رضی الله عنه به پیروزی های چشم گیر و فتوحات بزرگی دست یافتند و ملت‌های جدیدی با طرز تفکر و فرهنگ های متفاوتی به جامعه اسلامی پیوستند. در نتیجه تمدن شهری و وسایل جدید رفاهی در زندگی مردم راه یافت و بدون شک این همه ترقی و پیشرفت آثار و نتایجی روانی و اخلاقی داشت. و لاجرم این

همه نعمت باید مالیاتی داشته باشد که ملتها در طول زندگی و جامعه ها و دولتها در تاریخ خود آن را پرداخته اند.

از سوی دیگر چون حضرت عثمان رضی الله عنه زمام خلافت را به دست گرفت، مردم اندک اندک با زمان رسول خدا فاصله می گرفتند و آثار تحول در جامعه بزرگ اسلامی پدیدار گشت و می رفت که به تدریج تغییر جهت دهد و آن مسیری را که مربی اول، یاران خود را بدان رهنمایی کرده و اصحاب خود را بدان شیوه تربیت نموده، رها کرده مسیر دیگری را در پیش گیرند. رسول الله صلی الله علیه وسلم یاران خود را به گونه ای تربیت کرده بود که علاقه ای به دنیا و کسب مقام و ثروت نداشتند و در ثروت اندوزی و کسب قدرت از یکدیگر سبقت نمی گرفتند.

حضرت عمر رضی الله عنه در زمان خود توانست در برابر این سیل خروشان سدی آهنین قرار دهد و با قدرت تمام جلوی آن را بگیرد، اما در زمان سیدنا عثمان مملکت اسلامی بیش از پیش گسترده شد، وسعت فتوحات و کثرت غنایم و فراوانی اموال دست در دست هم داده به سرعت این دگرگونی و تغییر جهت افزودند.

بر اثر این قبیل عوامل در زمان حضرت عثمان رضی الله عنه در قلعه استوار جامعه اسلامی روزنه هایی ایجاد شد که بادهای مسمومی به شکل طوفان در آن نفوذ کرد. گرچه در عزم و اراده ی حضرت عثمان هیچ گونه سستی یی راه نیافته بود، و ایشان در امور خلافت سر مویی از جاده ی حق منحرف نشده و در سیاست خود از قوانین عدالت تخلف نکرده بود، ولی مردمی که عثمان رضی الله عنه با آنها سر و کار داشت، آن عرب ساده و سخت کوش بدوی سابق نبودند، بلکه مردمی جهان دیده و غرق در ناز و نعمت بودند و به مقتضای فطرت انسانی که اگر نفس انسان در تنعم آزاد باشد و به نحو صحیح تربیت نشود، بصیرتش را از دست داده و زمام عقل از دستش رها می شود، این چنین شده و گرفتار انحرافات شده بودند.<sup>(27)</sup>

استاد عباس محمود عقاد، این حقیقت را به خوبی بیان کرده می گوید: بزرگترین مشکل، همان گونه که در آینده واضح خواهد شد، این بود که عثمان رضی الله عنه گرچه عملی مرتکب نشد که در زمان خلفای قبلی نظیری نداشته باشد، ولی محیط و شرایط تغییر کرده بود و اوضاع مانند سابق نبود، خلفای قبلی برای حضرت عثمان الگو و نمونه بودند و اتباع از روش آنان هدف

اصلی وی بود اما زمان و محیطی که می خواست روش آنان را به اجرا در آورد آن زمان سابق نبود و مردم نیز آن مردم سابق نبودند و این خود بزرگترین مشکل بود که چگونه در شرایط جدید، با در نظر گرفتن مقتضیات زمان روش آنان را پیاده کند. (28)

سپس می افزاید: از زمان مسلمان شدند عثمان رضی الله عنه تا زمانی که ایشان زمام امور را به دست گرفت، جامعه عربی در سطح بسیار گسترده ای تغییر کرده بود، و گرایشها در جامعه اسلامی با گرایشهای ملل دیگر جهان همسو شده بود و تقریباً طرز زندگی ملت‌های شرق و غرب با هم مشابهت پیدا کرده بود. (29)

در این اوضاع معترضین و منتقدین فرصت یافته و عملکرد او را شیخین مقایسه کرده و مورد محاسبه قرار می دادند.

عقاد می گوید: مردم در زندگی و اهداف شان همانند ملت‌های دیگر، مطابق میل خود، زندگی می کردند، اما از خلیفه سوم انتظار داشتند که در تمام امور، از روش و سیره ی دو خلیفه قبلی، سر مویی تجاوز نکند، در صورتی که خودشان از روش و سیره ی رعیت خلیفه اول و دوم بسیار منحرف شده بودند.

نباید منکر شد که سیدنا عثمان رضی الله عنه از قدرت و نیروی ابوبکر و عمر رضی الله عنهما برخوردار نبود، اما خود سیدنا عمر رضی الله عنه با قدرت و هیبتی که از آن برخوردار بود، در روزهای آخر خلافت خویش احساس می کرد که زمان با گذشته فرق کرده است، لذا در دعا‌های خود می گفت: (( خدا یا سنم بالا رفته و قوایم ضعیف گشته و رعیت در جهان پراکنده شده است، مرا در حالی به سوی خویش فراخوان که حق کسی از دستم ضایع نشده و در انجام وظیفه کوتاهی نکرده باشم)). (30)

عثمان رضی الله عنه نیز این تفاوت بزرگ بین دو زمان را درک کرده بود، و می ترسید که این بیماری فراگیر شود، لذا مردم را نسبت به آن هشدار می داد، و همواره در مجالس و سخنرانی ها می گفت: ((حالتی که امت اسلامی امروزه به آن مبتلا گشته، سرنوشتی است که قابل برگشت نیست. همانا فتنه دنیا آن چنان بر دلها چیره گشته که هیچ تدبیر و کوششی کار ساز نیست)). (31)

عقاد می افزاید: مشکل و آزمایش بزرگ این بود که زمان خلافت حضرت عثمان رضی الله عنه زمانی بود که در آن مراحل پیش می آمد که نیاز بود مردم به خلافت اعتماد کنند، اما [ بر اثر موج تبلیغات سوئی که ایجاد شده بود] این اعتماد به طور کامل دیده نمی شد. همچنین مراحل پیش می آمد که به سلطه و قدرت قاطع خلیفه نیاز بود اما [ بنابر سیاست تسامح و مدارای خلیفه] این قاطعیت نیز دیده نمی شد؛ لذا حکومتی که از این دو جانب با مشکل مواجه گردد مسلماً از گزند حوادث و احوال در امان نخواهد ماند. (32)

با این حال استاد عقاد می گوید: همانا سیاست و تدبیر عثمان رضی الله عنه برای حل مشکلات امور خارجی دولت اسلامی، که ناگهان بعد از خلافت با آن مواجه شد، بهترین چاره و حکیمانه ترین راه حلی بود که یک خلیفه در چنان موقعیتی می اندیشید؛ این راه حل عبارت بود از راستی و درستکاری، استقامت و عزم راسخ، سرعت عمل توأم با احتیاط و سیاست ((با دوستان تلافی با دشمنان مدارا)).

### نخستین انتقاد

نخستین انتقاد بر حضرت عثمان رضی الله عنه این بود که چرا در اعضای کابینه و کارگزاران دولت کسانی را قرار داده که دارای سوابق درخشان و جایگاه بلند دینی در جامعه نبودند، و از آنان اعمالی سر می زد که در نگاه مردمی که اولیای امور را با اعمال و کارگزاران زمان رسول الله و ابوبکر و عمر مقایسه می کردند، جای نقد و اعتراض در وجود داشت؛ بنابراین مردم به مذمت و اعتراض در مورد آنان می پرداختند. در صورتی که یک خلیفه یا زمامدار مملکت، دارای اختیارات اداری و سیاسی ویژه ای است که هنگام تشکیل کابینه دولت و انتخاب مسئولان اداری از آن استفاده می کند و نمی تواند برای تک تک مردم در مورد علت انتخاب هر یک از کارگزارانش توضیح دهد و همه را قانع کند، یا اینکه در انتخاب فقط جنبه دینی و اخلاقی را ترجیح دهد (گرچه شخص از کاردانی و وجدان کاری بی بهره باشد).

استاد کرد علی در مجموعه سخنرانی های خود موسوم به ((الاداره الاسلامیه)) به نقل از تاریخ طبری می گوید: سه چهار عمال و کارگزاران پیامبر صلی الله علیه وسلم از بنی امیه بودند. زیرا آن حضرت رضی الله عنه مسئولان را بر اساس کاردانی و توانایی بر انجام وظیفه ی انتخاب می کردند، و کسانی را که از نظم و نسق امور آگاهی نداشته و از انجام وظیفه عاجز بودند (هر چند

دارای فضایل اخلاقی و دینی بودند) برای اداره امور انتخاب نمی نمودند و این خود بزرگترین دلیل بر این امر است که انتخاب افراد برای فرماندهی ارتش، نظم و نسق امور سیاسی و انجام امور اجرایی حکومت، وظیفه امام یا زماندار است و او در این مورد ثروت، نژاد، رفاقت و سن را در نظر نمی گیرد، بلکه دانایی، شایستگی و قدرت بر کار محوله و درک موقعیت سیاسی نظام را در نظر گرفته، افرادی را برای احراز این مقامها می گمارد. (33)

ابن ابی الحدید قول قاضی القضاة عبدالجبار را در دفاع از حضرت عثمان رضی الله عنه نقل کرده که می گوید: نمی توان ادعا کرد که زمانی که حضرت عثمان رضی الله عنه این افراد را به عنوان استاندار و والی انتخاب کرده، همه چیز را در مورد آنها می دانسته است، بلکه آنچه امکان دارد این است که ایشان در آن زمان به شاخصهایی که دال بر صلاحیت این افراد در انجام مسئولیتهای محوله بوده آگاه بوده است، و به اینکه از آنان جرم آشکاری سر زده باشد آگاه نبوده است. (34)

استاد کرد علی می گوید: آیا حکمت سیاسی مقتضی نبود که عثمان رضی الله عنه به قوم و خویشان خود که مورد اطمینان او بودند، اعتماد کند، (35) در صورتی که طبیعتاً آنان از دیگر افراد برای او دلسوز تر و برای موفقیت دولت او فداکارتر و خیرخواه تر بودند؟

گرچه در مورد حق به جانب بودن حضرت عثمان در قضیه انتخاب امرا و والیان می توان توجیحات بسیاری را ذکر کرد، اما ما با این وجود او را معصوم و مبرا از خطا نمی دانیم، بلکه او را مجتهدی می دانیم که راه صواب را می پیماید و ممکن است گاهی از او خطایی سرزند. ما مروان بن حکم، ولید بن عقبه، عبدالله بن سعد بن ابی سرح را در رفتار و سلوک و طرفداری از خویشان، بری نمی دانیم و از سوی دیگر کفایت و قدرت آنان بر اداره امور را نادیده نمی گیریم، با این وجود معتقدیم که اغلب معترضین و منتقدین کسانی بودند که در کار خود مخلص نبوده و از اغراض شخصی و انگیزه های سیاسی پاک نبودند.

استاد عباس محمود عقاد، در تحلیل این نارضایتی بسیار بجا نوشته اند:

در مورد محاسبه ی عملکرد خلیفه بسیار غلو و افراط شده و از حق آزادی رأی که اسلام به افراد امت اسلامی داده، سوء استفاده شده و بی مورد به کار گرفته شده است. برخی از کسانی که برای استیضاح و شورش علیه عثمان رضی الله عنه قیام کرده بودند افرادی مغرض بودند که

آنچه خود می گفتند بدان عامل نبودند، و عملشان با قولشان مطابقت نداشت، در میان آنان کسانی دیده می شد که حضرت عثمان رضی الله عنه بر اثر ارتکاب جرم بر آنان حد شرعی را اجرا کرده بود، یا بر اثر جرمی پدر و خویشانانشان را زندانی کرده بود. کسانی هم دیده میشد که به صورت غیر قانونی با زنی ازدواج کرده بودند و ایشان حکم به جدایی آنان داده بود. همچنین کسانی بودند که طالب پست و مقامی بودند و با خواسته آنان موافقت نشده بود. و برخی نیز بودند که از این موارد بر ایشان پیش نیامده بود اما دنبال شورش و هرج و مرج بودند؛ هر یک از این اهداف و عوامل را می توان محرکی برای قیام علیه خلیفه به شمار آورد.<sup>(36)</sup>

### اوج فتنه

در اینجا، داستان اوج گیری فتنه و شهادت سیدنا عثمان رضی الله عنه را- در حالی که در خانه اش محاصره شده بود- با اعتماد بر کتاب البدایه و النهایه ابن کثیر مختصراً ذکر می کنیم:

در مصر گروهی بودند که با حضرت عثمان رضی الله عنه دشمنی داشتند و او را با القاب زشت یاد می کردند، و از او خرده می گرفتند که گروهی از بزرگان صحابه را بر کنار کرده و کسانی را روی کار آورده که در درجه ای پایین قرار دارند یا صلاحیت این مقام ها را ندارند. اهل مصر، ولایت عبدالله بن سعد بن ابی سرح را بعد از بر کناری عمرو بن عاص نمی پسندیدند، لذا عبدالله بت سعد از این امر دست بردار شد و به جهاد با اهل مغرب و فتح بلاد بربر و اندلس و آفریقا پرداخت. از سوی دیگر، در مصر گروهی از منتسبین صحابه، مردم را علیه عثمان رضی الله عنه تحریک کرده و به جنگ با وی تشویق می کردند، که معروفترین آنها محمد بت ابی بکر و محمد بت ابی حذیفه بودند، این دو نفر لشکری آماده کرده و در ماه رجب ظاهراً برای انجام عمره ولی در حقیقت برای ایجاد آشوب و اعتراض علیه عثمان رضی الله عنه به سوی مدینه حرکت کردند، عبدالله بن ابی سرح به عثمان رضی الله عنه اطلاع داد که این گروه به ظاهر برای انجام عمره ولی در باطن برای شورش به مدینه می آیند. چون این گروه به مدینه نزدیک شدند، عثمان، علی بن ابی طالب رضی الله عنه را ماموریت داد تا نزد آنان برود و پیش از اینکه وارد مدینه شوند، به مناطق شان باز گرداند. طبق برخی از روایات حضرت عثمان رضی الله عنه گروهی از مردم را برای اینکار ماموریت داده بود، اما حضرت علیرضی الله عنه داوطلبانه برای انجام این کار اعلام آمادگی کرد، بنابراین حضرت عثمان رضی الله عنه او را نمایندگی داد و به

سوی آنها فرستاد و عده ای از معتمدین نیز او را همراهی کرد. آنان حضرت علی را بسیار محترم می شمردند و در این مورد غلو و افراط می کردند، حضرت علی آنان را توبیخ و نکوهش کرد. آنها در حالی که یکدیگر را سرزنش می کردند به سوی حضرت علی اشاره کرده و می گفتند: آیا همین است کسی که به سبب او علیه امیر (خلیفه) می جنگید و به خاطر او علیه امیر احتجاج می کنید؟

حضرت علیرضی الله عنه علت شورش آنان را پرسید، مواردی ذکر کردند، حضرت علیرضی الله عنه از سوی عثمان رضی الله عنه به آنها پاسخ گفت و دلیل آن کارها را برایشان توضیح داد.<sup>(37)</sup> سپس آنها را به خاطر این اقدام ناشایست سرزنش کرد و همین جا برگردانید، بدین ترتیب از آنجا ناکام مراجعت نموده و به هدف سوء خود نرسیدند. علیرضی الله عنه نزد عثمان رضی الله عنه برگشت و خبر بازگشت آنها را به او داد، در ضمن چند پیشنهاد به ایشان داد و عثمان رضی الله عنه نیز صمیمانه از پیشنهادات خیرخواهانه ی ایشان استقبال کرد.

مدتی گذشت، اما بار دیگر سران گروههای مخالف از مصر و بصره و کوفه، برای شورش و حرکت به سوی مدینه با هم مکاتبه کردند و برای آن که دعوتشان در میان مردم ناآگاه بیشتر موثر باشد نامه هایی از پیش خود جعل کرده و به نام اصحاب بزرگ رسول الله صلی الله علیه وسلم که در مدینه بودند پخش می کردند و چنین مطرح می کردند که آنان خواستار قیام علیه خلیفه و حرکت به سوی مدینه هستند.<sup>(38)</sup>

سرانجام، مصریان در شوال سال 35 هجری در حالی که به ظاهر وانمود می کردند که برای مراسم حج می روند، به شهر مدینه شورش بردند و آن را محاصره کردند.<sup>(39)</sup>

اهل مدینه و صحابه آنها را نکوهش کرده مانع ورودشان به مدینه شده و کوشیدند آنها را برگردانند. [ آنان چون از ورود مایوس شدند، دست به حيله زدند و به ظاهر شروع به عقب نشینی کردند، مردم مدینه به گمان این که آنان از اراده ی خود منصرف شده اند، با اطمینان کامل به خانه های خود باز گشتند ولی دیری نگذشت که شورشیان دوباره بازگشته آنان را غافل کردند.] حتی حضرت علی به اهل مصر گفت: ((شما پس از اینکه از اینجا رفتید و از رای خود منصرف شدید، چه شد که دوباره برگشتید؟))

جواب دادند در راه نامه ای از دست قاصدی بدست آوردیم که در آن نامه دستور قتل ما صادر شده است. اهل بصره و کوفه نیز همین جواب را دادند، و اهل شهرهای دیگر گفتند ما آمده ایم تا به کمک یاران خود بشتابیم. صحابه به آنها گفتند شما چگونه از حال یارانتان اطلاع یافتید در صورتی که شما از یکدیگر جدا شده و چندین فرسخ از آنها فاصله داشتید؟ مسلماً این توطئه ای است که بر انجام آن با یکدیگر از قبل توافق کرده اید.

گویند چون مصری ها به شهر خود بر می گشتند، در بین راه با شتر سواری برخورد کردند، او را بازرسی کردند و از او نامه ای بدست آوردند که در آن نامه دستور داده شده بود که بعضی از مصریان را بکشند و گروهی را به دار آویزند و دست و پای عده ای دیگر را قطع کنند، نامه بنام عثمان رضی الله عنه و با مهر او بود و شتر سوار از غلامان عثمان رضی الله عنه و شتر نیز از شتران وی بود. نامه را به مدینه آورده و به مردم نشان دادند، مردم جریان نامه را از امیرالمومنین پرسیدند، در جواب گفت این توطئه ای علیه من است و سوگند یاد کرد که چنین نامه ای ننوشته و به کسی دستور نوشتن چنین نامه ای نداده و از آن آگاهی ندارد، و ساختن مهر تقلبی نیز کار مشکلی نیست. گروهی او را تایید کردند و گروهی دیگر تکذیب نمودند.

ابن کثیر می گوید: این نامه بنام عثمان جعل شده بود و او چنین دستوری نداده و از آن آگاهی نداشت. ابن جریر، در تاریخ خود با سند خویش می گوید: مصریان از دست شتر سواری نامه ای یافتند که در آن به والی مصر دستور قتل و قطع دست و پای گروهی صادر شده بود، این نامه را مروان بن حکم به نام عثمان جعل نموده و آیه زیر را متمسک خود قرار داده بود که خداوند می فرماید: ((انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً...))؛ همانا کیفر کسانی که با خدا و پیامبرش به جنگ بر می خیزند و در روی زمین دست به فساد می زنند این است که کشته شوند یا به دار آویخته گردند یا دست و پای آنها بریده شود یا از سرزمین خود تبعید گردند. (40)

بدون شک، شورشیان مصداق این آیه بودند، ولی او حق نداشت از سوی عثمان رضی الله عنه چنین نامه ای تزویر نموده و بدون اطلاع او بدست غلامش بسپارد و او را بر شتر نموده، بفرستد. (41)

برخی از نویسندگان و محققان معتقدند که قضیه ی نامه یک برنامه خود ساخته و طراحی شده بود است که به عثمان رضی الله عنه نسبت داده شده است، چنانکه از این عبارت کتاب (( موارد الظمان الی زوائد ابن حبان)) که در ذیل نقل می شود چنین بر می آید و در تاریخ طبری نیز روایتی با همین مضمون آمده است، راوی می گوید:

مصری ها برگشتند، در بین راه مرد سواری را دیدند که گاهی به آنان نزدیک می شد و گاهی فاصله می گرفت و سپس بر می گشت؛ مردم به او گفتند: تو را چه شده، از جانب ما در امان هستی، چه هدفی داری؟ او گفت: من قاصد امیرالمومنین به عاملش در مصر هستم، چون او را تفتیش نمودند نامه ای بدست آوردند که از زبان عثمان و با مهر ایشان بود. در این نامه به عامل مصر دستور داده شده بود که آنان را بدار آویخته یا دست و پای آنها را قطع کند. مصریان بعد از این ماجرا به مدینه برگشته نزد علیرضی الله عنه آمدند و گفتند: آیا می بینی که عدوالله در حق ما چه نوشته؟ حال خداوند خون او را برای ما حلال گردانیده است، همراه ما بیا تا نزد او برویم، علیرضی الله عنه گفت: به خدا سوگند که با شما نخواهم آمد، گفتند: پس چرا به ما نامه نوشتی؟ علی گفت: من هرگز برای شما چیزی ننوشته ام، آنگاه رو به یکدیگر کرده گفتند: آیا به امید این مرد می جنگید و ابراز خشم می کنید (که این گونه اظهار بی تفاوتی میکند)؟<sup>(42)</sup>

روایت شده که حضرت علیرضی الله عنه خطاب به اهل بصره گفت: شما با آنکه چندین منزل از آنها فاصله گرفته و دور شده بودید، چگونه اطلاع یافتید که چنین نامه ای بدست آنها افتاده تا دوباره برگردید؟ به خدا سوگند این نقشه و توطئه ای است که همین جا در مدینه بر آن توافق کرده اید.<sup>(43)</sup>

[ آری شورشیان وقتی در مرحله ی اول مقاومت مردم مدینه روبرو شدند، دست به حيله زدند و به ظاهر به شهرهای خود برگشتند، و سپس طبق برنامه ی از قبل طرح شده جعل نامه را بهانه ای برای بازگشت دو باره خود قرار دادند. مترجم]

محاصره و شهادت سیدنا عثمان رضی الله عنه و نقش قهرمانانه ی علی رضی الله عنه در حمایت او سرانجام خلیفه مسلمین سیدنا عثمان رضی الله عنه مورد تهاجم قرار گرفت و فتنه ای رخ داد که سزاوار جایگاه خلافت و لایق دوره ای نبود که با عهد رسول الله صلی الله علیه

وسلم و خلافت ابوبکر و عمر رضی الله عنه نزدیک بود. اما به گفته استاد عقاد ((آشوب و بلوایی بود که از چنین افراد آشوبگر و فتنه جو بعید نبود.))

آشوبگران عثمان رضی الله عنه را در خانه اش محاصره کرده و نگذاشتند از خانه خارج شده به مسجد بروند. بسیاری از صحابه در خانه های خود مانده و خارج نشدند و گروهی از فرزندان صحابه رسول الله صلی الله علیه و سلم به دستور پدرانشان به حمایت و حفاظت عثمان رضی الله عنه شتافتند مانع ورود آشوبگران به داخل خانه شدند که حسن، حسین، عبدالله بن زبیر عبدالله بن عمر از جمله آنان بودند. این محاصره از اواخر ماه ذی قعدة تا روز جمعه هیجدهم ذی الحجه ادامه داشت. یک روز قبل از این تاریخ، سیدنا عثمان رضی الله عنه، خطاب به مهاجرین و انصار و کسانی که نزد او بودند و تعدادشان به هفتصد تن می رسید و در جمع آنان عبدالله بن عمر، عبدالله بن زبیر، حسن، حسین، ابوهیره و عده ی زیادی از موالی او نیز حضور داشتند چنین گفت: (( من تمام کسانی را که بر گردن آنها حقی دارم، سوگند می دهم که اینجا را ترک گفته به خانه های خود باز گردند.))<sup>(44)</sup>

عده ی زیادی از بزرگان صحابه و فرزندانشان در آن جمع حضور داشتند، این جمعیت هفتصد نفری اگر اجازه مبارزه و دفاع داشت برای طرد و دفع این عده آشوبگر کافی بود. حضرت عثمان حتی به غلامان خود گفت: ((هر کسی شمشیرش را در غلاف کند آزاد است)). روایت شده که بعد از این که عثمان رضی الله عنه مردم را برای بیرون رفتن وادار نمود آخرین کسی که از نزد او بیرون رفت حسن بن علی رضی الله عنهما بود.<sup>(45)</sup>

هنگامی که حضرت علی رضی الله عنه از عثمان اجازه خواست تا از وی دفاع نموده و با آشوبگران بجنگد، در جواب چنین گفت: ((من همه کسانی را که بر ذمه ی خود حقی از خداوند می بینند و معترفند که من نیز بر آنها حقی دارم، سوگند می دهم که قطره ای از خون خود یا دیگران را به خاطر من بر زمین نریزند))؛ حضرت علی رضی الله عنه دوباره خواسته خود را تکرار کرد، اما باز هم همان جواب سابق را شنید، چون حضرت علی رضی الله عنه به مسجد رفت مردم از وی خواستند که به عنوان امام جماعت با آنها نماز بخواند اما وی در جواب گفت: ((چگونه با شما نماز بخوانم در حالی که امام در محاصره است، من تنها نماز می خوانم))، چنانکه جداگانه نماز خواند و به خانه برگشت.<sup>(46)</sup>

حلقه محاصره تنگ تر و حالت بر حضرت عثمان سخت گشت، آب آشامیدنی تمام شد، لذا از مسلمین در این زمینه یاری خواست، حضرت علیرضی الله عنه بر مرکبش سوار شد و یک مشک آب با خود گرفته به خانه عثمان رضی الله عنه رسید، بعد از اینکه سخنانی رکیک و توهین آمیز از آن قوم جاهل شنید و سواریش را فراری دادند، بلاخره آب را به داخل خانه رسانید. (47)

بلاذری در ((انساب الاشراف)) می گوید:

علیرضی الله عنه چون از ماجرا آگاه شد، سه مشک آب فرستاد، عده ی زیادی از موالی بنی هاشم و بنی امیه در راه رساندن این آبها مجروح شدند، و الا ممکن نبود آب به آسانی به داخل خانه برسد. کتب شیعه نیز این روایات را تایید می کنند، به طور مثال به کتاب ((ناسخ التواریخ)) و ((الفوائد الرضویه)) چاپ ایران ((تاریخ عرب و اسلام)) و کتب دیگر مراجعه کنید. (48)

آورده اند که امیر معاویهرضی الله عنه به حضرت عثمان رضی الله عنه گفت: ((قبل از آنکه با خطری مواجه شوی همراه من به شام بیا)). حضرت عثمان در جواب گفت: ((من جوار و همسایگی رسول الله صلی الله علیه وسلم را به هیچ قیمتی از دست نخواهم داد، خواه رگهای گردنم پاره پاره گردد.)) معاویه گفت: ((پس لشکری از آنجا برایت می فرستم تا اگر حادثه ای رخ داد از شما محافظت کنند)). حضرت عثمان گفت: ((آیا می خواهی به سبب اسکان چنین سپاهی، رزق و آذوقه را بر همسایگان رسول الله صلی الله علیه وسلم تنگ کنم و اهل هجرت و نصرت در مضیقه قرار گیرند؟)) آن گاه سیدنا معاویهرضی الله عنه گفت: ((به خدا سوگند ای امیرالمومنین، می ترسم مورد سوء قصد و ترور قرار گیری))، سیدنا عثمان رضی الله عنه جواب داد: ((حسبی الله و نعم الوکیل))؛ خداوند که بهترین کار ساز است مرا کافی است.

بلاذری در کتاب ((انساب الاشراف)) نوشته است که شورشیان به سوی حضرت عثمان رضی الله عنه تیراندازی نمودند که در نتیجه ی آن حضرت حسن که بر درب خانه ایستاده بود و همچنین قنبر، غلام حضرت علی، مجروح شدند.

ابومحمد انصاری می گوید: روز حادثه، عثمان را در منزلش در حالی دیدم که حسن بن علی از او دفاع می کرد و در آنجا مجروح شد، من از جمله ی کسانی بودم که او را پس از مجروح شدن از خانه بیرون آوردند.<sup>(49)</sup>

تعدادی از کسانی که داخل منزل بودند، همچنین عده ای از یاغیان فاجر در آن هنگامه کشته شدند؛ عبدالله بن زبیررضی الله عنه جراحات زیادی برداشت و حضرت حسن بت علیرضی الله عنه نیز مجروح شد.<sup>(50)</sup>

یاغیان از حضرت عثمان رضی الله عنه خواستند تا از مقام خلافت دست بردارد، در پاسخ گفت: ((این حق مردم است که هر کس را بخواهند به عنوان ولی امر خود انتخاب کنند))، سپس گفت: ((اما اینکه [ بنا به خواست یاغیان ] منصب خلافت را رها کنم، چنین نخواهم کرد و جامه ای را که خدا به من پوشانده، از تن بیرون نخواهم کرد.))<sup>(51)</sup> این اصرار او برای ماندن در مقام خلافت، بنابر وصیت رسول الله صلی الله علیه وسلم بود که فرموده بود: (( ای عثمان، به زودی خداوند جامه ای به تنت می پوشاند، اگر خواستند آن را از تنت برکنند، به آن تن در مده.))<sup>(52)</sup> نائله همسر سیدنا عثمان رضی الله عنه می گوید: (( روزی که عثمان رضی الله عنه به شهادت رسید، روزه دار بود.))<sup>(53)</sup> حضرت نافع از ابن عمر نقل می کند که عثمان رضی الله عنه صبح روزی که شهید شد، گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ((ای عثمان رضی الله عنه امروز نزد ما افطار کن، لذا امروز روزه گرفته ام))؛ چنان که در همان روز به شهادت رسید.<sup>(54)</sup>

در حالی که قرآن پیش رویش گذاشته و مشغول به تلاوت بود.<sup>(55)</sup> این فاجعه روز جمعه ذی الحجه سال 35 هجری به وقوع پیوست.<sup>(56)</sup>

### تاثیر عقیده در وجود حضرت عثمان رضی الله عنه و مقام بلند وی در اسلام

این باب را که مشتمل بر حوادث تلخ و ناگوار برای مسلمین است با توضیحات استاد عباس محمود عقاد پیرامون سیره ی سیدنا عثمان و موضع او در مورد این فتنه، به پایان می بریم، او می نویسد:

تأثیر و رسوخ عقیده در وجود عثمان رضی الله عنه به عنوان یک فرد، آشکار و نمایان تر بود از تأثیر آن در کسانی که از اطراف برای مناظره و محاسبه ی او گرد آمده بودند. همانا او از جمله افراد معدودی بود که عقل بشر نمی تواند حالات پیش از اسلام و پیشرفتهای فوق العاده معنوی بعد از اسلام آنها را مقایسه کند. (57)

سیدنا عثمان به بلندترین قله های محاسبه ی نفس و پرهیز از آسیب رساندن به زندگی انسانها، ولو در راه دفاع از خود یا نزدیکترین بستگانش، رسیده بود. زیرا وقتی یقین نمود که کشته می شود، اجازه نداد در خانه اش کسی بماند و به یاغیانی که تشنه ی خون او بودند آسیبی وارد کند، این خواسته را نپذیرفت، و این انکار او، برای حفظ جاه و مقام و تملک مال و منال نبود، زیرا با ارزش ترین چیز برای انسان، حیات و زندگی اوست که از دست دادن آن برای وی آسان شده بود. و هیچ انسان منصفی نمی گوید که خلافت برای وی مال و ثروتی به همراه داشت، زیرا همه ی مورخان اتفاق نظر دارند که ثروت و دارایی او هنگام رحلت از دنیا بسیار کمتر از زمان پیش از خلافت بود. بلکه انکار او از این جهت بود که می توانست پس از آن در سطح گسترده ای فساد و نزاع شکل خواهد گرفت؛ چنانکه بارها به این مطلب تصریح کرده و می گفت: (( از این می ترسم که کسانی که امروز از بودن من به تنگ آمده اند، فردا [ چنان حالتی رخ می دهد] که تمنا کنند که ای کاش مدت خلافت این مرد صد سال طول می کشید)). بنابراین وی نمی خواست به اختیار خود اقدام به کاری کند که عواقب سوء و فرجام بدی را دنبال داشته باشد.

حال اگر حوادث را کنار گذاشته و به تاریخ صدر ایلام با این دید بنگریم که تاریخ اصول و ارزشها است می توانیم بگوییم: ما با صدمه ای مواجه ایم که هر کس با توجه به آن از تأثیر عقیده و اثرات روانی آن بپرسد، تکان خواهد خورد (که چگونه یک انسان به خاطر آن حاضر به چنان جانفشانی خواهد شد) ولی صدمه ای نخواهد بود اگر ما حوادث را با ترازوی ارزشها بسنجیم و بدانیم که همانا تاریخ هرگز از حوادث خالی نبوده و همانا وجود اختلاف بزرگترین شری نیست که وجدان های بنی نوع انسان با آن دچار می شود. و در آن صورت می دانیم که اصل، دانستن این امر است

که در راستای حفظ ارزشها چه نیروی ایمانی و استقامتی صرف شده است، که در حادثه شهامت عثمان رضی الله عنه مثل روز روشن است.<sup>(58)</sup>

سپس عقاد در پایان کتاب ((عبقریه عثمان)) می نویسد: گرچه فاجعه ی قتل عثمان رضی الله عنه خسارت بزرگی بود، اما مانند سایر بلاها، خیر و درسی در برداشت که عموماً بعد از گذشت روزهای سیاه، در زندگی فرد یا جامعه به ظهور می پیوندد.

خیر و نفع این فاجعه در آن بود که برای جهانیان آشکار گردید و شک کنندگان به یقین اذعان نمودند که می توان ولی امر را استیضاح و محاسبه کرد، آن هم حاکمی را که حدود حکومتش از مرز چین تا اقیانوس اطلس ادامه داشت.

درس دیگر تبلور ایمان صادقانه ی پیرمرد نود ساله ای بود که در حالت تشنگی و محاصره شدید و سخت ترین شرایط، حاضر به آسیب دیدن کسی نیست در صورتی که اگر می خواست و اجازه می داد، هزاران سرباز فداکار در جایی که قطره ای آب برای آشامیدن نایاب بود، دریایی از خون جاری می ساختند.<sup>(59)</sup>

حافظ تقی الدین سبکی - متوفای 756 هجری - می گوید: ((ما عقیده داریم که حضرت عثمان رضی الله عنه امام بر حق بود و مظلومانه شهید شد. خداوند صحابه را از دست داشتن در قتل وی محفوظ نگهداشت. متولی قتل وی شیطانی رانده شده بود. در حق هیچ یک از صحابه ثابت نیست که به قتل وی راضی بوده باشد، بلکه آنچه به ثبوت رسیده این است که همه مخالف این عمل بودند)).<sup>(60)</sup>

- 
- 1- این شش نفر از جمله ده نفری هستند که رسول الله صلی الله علیه وسلم به آنها مژده بهشت داده بود.
  - 2- مورخ و محقق معروف شیعه سید امیر علی می نویسد: عمر خیلی خوب می توانست که حضرت علی یا پسر پرهیزگارش عبدالله معروف به ابن عمر را جانشین کند لیکن روی اصل پیروی از وجدان که از خصایص او بود مساله انتخاب خلیفه ی بعد از خود را به نظر شش نفر از سرشناسان مدینه وا گذاشت. (تاریخ عرب و اسلام، ص: 50)
  - 3- مردم شیوه خلافت ابوبکر و عمر را پسندیده و قلبلاً دوست داشتند و یقین نموده بودند روشی که بتوان آن را خلافت بر شیوه ی پیامبر نامید همین است و در سایه ی آن از ظلم و جور و از هر خطری محفوظ خواهند ماند، لذا وقتی عثمان اطمینان داد که بر کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم عمل می کند و شیوه ی ابوبکر و عمر را ادامه می دهد، عبدالرحمن و تمام حاضرین جلسه با اطمینان قلب ابراز خوشحالی نمودند. از سوی دیگر حضرت علی - که عالم به کتاب و سنت بود و حق اجتهاد داشت - کاملاً حق داشت که چنین سخنی به زبان بیاورد، ولی این برای اطمینان دادن مردم کافی نبود، زیرا آنان شیفته ی برنامه ی خدا پسندانه ی دو خلیفه قبلی بودند، لذا عثمان را که خود را متعهد به کتاب و سنت و

شیوه ی آنان کرده بود، ترجیح دادند. [ به همین دلیل هنگامی که حضرت حسن خلافت را به حضرت معاویه واگذار نمود یکی از شرایطش این بود که به کتاب خدا و سنت رسول و سیره خلفای راشدین عمل کند. (ملا باقر مجلسی، جلاء العیون ج: 1، ص: 393، چاپ تهران 1398 ه، الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه ص: 163 منتهی الامال، عباس قمی، ص: 314 م ]

4- ابن کثیر، البدایه و النهایه: 144-147/7، این روایت را بدان جهت ترجیح دادیم که جامعترین روایات است و برگرفته از صحاح و اخبار معتبر است.

5- سیره ابن هشام: 315/2

6- زادالعماد: 382/1

7- کلینی در روضه نقل می کند که مسلمین گفتند خوشا به حال عثمان که خانه خدا را طواف می کند، رسول خدا فرمود: عثمان هرگز چنین کاری نخواهد کرد. چون عثمان بازگشت، پیامبر از او پرسید که آیا طواف کرده است عثمان گفت: بدون حضور پیامبر چگونه طواف می کردم. (روضه کافی: 326/8، دارالکتب الاسلامیه، تهران چاپ چهارم 1362م.)

8- زادالعماد: 382/1

9- تاریخ طبری: 83/4

10- امام جعفر صادق می فرماید: در اول روز، یک منادی اعلام می دارد که علی و شیعه او رستگارند. ( فروع کافی: 209/8 م )

11- هنگامی که رسول خداوندصلی الله علیه وسلم دستور داد تا مسلمانان برای جنگ با رومیان آماده شوند، مردم روزگار سختی را می گذراندند، و هوا بسیار گرم بود و خشکسالی همه شهرهای آنها را فراگرفته بود. به همین دلیل این جنگ ((جیش عسره)) نامیده شد.

12- در جریان تجهیز این سپاه رسول خدا فرمود: هر کس جیش العسره را تجهیز کند خداوند او را خواهد آمرزید و فرمود: پروردگارا من از عثمان راضی هستم تو هم از او راضی باش. (البدایه و النهایه: 4/5) مترجم.

13- این چاه واقع در وادی بزرگ العقیق در نزدیکی محل جمع شدن آب رودخانه (زغابه) در شمال غربی مدینه است، آب این چاه بسیار شیرین و گوارا بود به همین سبب رسول اکرم به یارانش فرمود تا آن را بخرند و وقف کنند، حضرت عثمان به این آرزوی پیامبر اجابت کرد. صاحب این چاه یک یهودی بسیار طماع و حریص بود، و اینک که فرصت خوبی برای فروش چاه بدست آورده بود، بسیار ناز می کرد. بالاخره حضرت عثمان پس از چونه زیاد توانست به مبلغ 200000 درهم بخرد و وقف کند. (آثار المدینه المنوره، عبدالقدوس انصاری، ص: 245، چاپ مدینه).

14- الجواهره فی نسب النبی و اصحابه العسره: 173/2.

15- مشهور است که حضرت عثمان خویشان خود را در دستگاه دولت انتصاب نمود، ولی با این بررسی سطحی در می یابیم که واقعیت غیر از این است. گر چه کارگزاران برخی از شهرهای تازه فتح شده و فرماندهان لشکرهای جهادی که کاری بسیار دشوار و پر خطر بود، از میان خویشان او بودند. ولی بخش عمده ی پستهای مهم و مسئولان آنها در زمان عثمان عبارت بودند از: (1) دادگستری، که رئیس آن زید بن ثابت انصاری بود که هیچ گونه قرابتی با عثمان نداشت. (2) بت المال، که عقبه بن عامر مسئولیت آن را به عهده داشت. (3) سرپرستی امور حجاج، که بر عهده ی عبدالله بن عباس بود. (4) اداره ی دارایی، که مسئولان آن جابر مزنی و سماک انصاری بودند. (5) ارتش، که فرمانده آن قعقاع بن عمرو بود. (6) ریاست اداره ی پلیس، که بنا به گفته بعضی از مورخین به عهده ی عبدالله بن قنفذ، از بنی تمیم بود.

(7) اما از میان استانداران، با وجود تعداد زیاد آنها، فقط سه نفر از بنی امیه بودند که یکی از آنها امیر معاویه بود که قبل از خلافت عثمان منصوب شده بود.

خلاصه این که از شش پست مهم دستگاه دولت، هیچکدام به عهده ی بنی امیه و خویشان حضرت عثمان نبود. و از سوی دیگر نباید فراموش کرد که خود رسول الله صلی الله علیه وسلم در زمان خویش اغلب مسئولان و کارگزاران را از میان بنی امیه انتخاب نموده اند، به عنوان مثال: کارگزار رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در مکه عتاب بن اسید بن ابی العاص بن امیه بود؛ فرماندار نجران، ابوسفیان بن حرب بود؛ عامل صدقات بنی مذحج و کارگزار صنعا یمین خالد بن سعید بن العاص بود؛ کارگزار تیماء و خبیر و مناطق عرفیه عثمان بن سعید بن عاص بود، و فرمانده بعضی از سپاه ها و همچنین عامل بحرین، ابان بن سعید بن عاص بود. (رجوع شود به تاریخ طبری و کتاب الاداره الاسلامیه تالیف: کرد علی). مترجم

16- تخلص از کتاب تاریخ الامم الاسلامیه، شیخ محمد خضری بک: 27/2-30، المکتبه التجاریه الکبری 1969.

17- شیخ عبدالوهاب النجار، الخلفاء الرشدون، ص: 270

18- دکتر سید امیر علی، تاریخ عرب و اسلام، ص: 52 ( ترجمه فارسی).

19- تاریخ طبری: 427/3، چاپ مصر 1357ه

20- البدایه و النهایه: 218/8

21- علامه خوئی، محقق شیعه، در کتاب ((البیان)) ص: 170، این کار سیدنا عثمان را ستوده و از آن تجلیل نموده است.

( مترجم )

22- البرهان، ص: 293، چاپ دار احیاء الکتب العربیه.

23- همان، ص: 240

24- البدایه و النهایه: 218/7

25- همچنین حضرت عثمان مسجد الحرام را نیز توسعه داد.

26- البدایه و النهایه، ص: 151/7 (مترجم).

27- تخلص و اقتباس از کتاب ((عثمان بن عفان)) اثر استاد صادق ابراهیم عرجون، ص: 93، الدار السعودیه، چاپ دوم

1981 م.

28- العبقریات الاسلامیه، ص: 761.

29- همان، ص: 770.

30- همان، ص: 717.

31- همان، ص: 799.

32- همان، ص: 826.

33- الاداره الاسلامیه، ص: 102.

34- ابن الحدید، شرح نهج البلاغه: 12/3.

35- الاداره الاسلامیه، ص: 103.

36- العبقریات الاسلامیه، ص: 706.

37- برای تفصیل بیشتر به تاریخ ابن کثیر، البدایه: 170/7-17 مراجعه نمایید.

38- بسیاری از محققان برآنند که عبدالله بن سبای یهودی که اهل صنعای یمن بود و تظاهر به اسلام می کرد محور اصلی فتنه بود و نقش فعالی در شوراندن مردم علیه عثمان و جعل نامه ی دروغین داشت. دکتر جمیل عبدالله مصری می نویسد: هنگامی که فتنه ها در بصره و کوفه به اوج خود رسیده بود، ابن سبا در مصر با جدیت تمام به شعله ور ساختن فتنه و ایجاد اختلاف بین زمامداران و ملت مشغول بود او می کوشید عقاید پوچ و پندارهای باطل را در اندیشه اسلامی وارد کند. (اثر اهل کتاب فی الفتن و الحروب الاهلیه فی القرن الاول الهجری، ص: 285)، وی می افزاید: سبائیان شهرهای بزرگ را برای مرکز فعالیت و تبلیغات خود انتخاب کرده بودند زیرا بزرگترین نیروی انسانی و مالی حکومت اسلامی در همین شهرها بود. همان، ص: 266

39- برخی از مورخان آورده اند که: خود عبدالله بن سبا نیز با این گروه همراه بود- ر-ک: کتاب صهرین

40- برای تفصیل بیشتر رجوع کنید به تاریخ طبری: 104/5-105

41- البدایه و النهایه: 186/7.

42- موارد الظمان الی زوائد ابن حبان، اثر حافظ نور الدین علی بن ابی بکر الهیثمی، ص: 532، دارالکتب العلمیه.

43- تاریخ الامم و الملوک اثر ابن جعفر محمد بن جریر طبری: 105/5- دلیل دیگری که جعلی بودن این نامه را اثبات می کند این است که نامه خطاب به عبدالله بن سعد بن ابی سرح، استاندار مصر نوشته شده است در صورتی که عثمان و مروان هر دو می دانستند که عبدالله در این هنگام در شهر مصر نیست بلکه به او دستور رسیده تا خود را به مدینه برساند و آنها مطلع بودند که او از مصر خارج شده و راه مدینه را در پیش گرفته است. ( طبری: 122/5) در آن هنگام حکومت فسطاط را محمد بن حذیفه بدست گرفته بود. (حاشیه کتاب العواصم من القواصم اثر قاضی ابیبکر بن العربی، ص: 110).

44- همین مطلب را شاعر بزرگ، خواجهی کرمانی این گونه به نظم درآورده است:

بعد از عمر مقام خلافت بدو حلال	او خون حلال کرده و خون خواستن حرام
آن منبع حیا که شد از شرم حق چو آب	چشمش نظر نکرده در آب از حیا تمام
و آن جامع کلام الهی که ذات او	در ملک شرع قلب کلام آمد از کلام
او غرق خون بسان شفق وز قفای او	مانند صبح تیغ زده خونیان شام
سنگین دلان نگر که از آن گونه کرده اند	از خون لعل او لب خنجر عقیق خام

(مترجم، به نقل از منظومه ی عشق)

45- ابن کثیر: 181-182/7.

46- عثمان بن عفان ذوالنورین، اثر استاد صادق عرجون، ص: 218-219.

47- ابن کثیر: 187/5.

48- انساب الاشراف: 69-68/5

49- انساب الاشراف: 96-95/5، چاپ جدید.

- 50- شرح نهج البلاغه: 286/3
- 51- البدايه و النهايه: 184/7
- 52- جامع صحيح ترمذی كتاب المناقب، باب فی المناقب عثمان، حدیث شماره: 3705.
- 53- البدايه و النهايه: 183/7.
- 54- همان: 182/7.
- 55- همان: 184/7-185- برخی از نویسندگان معاصر معتقدند که یهود و نصاری در توطئه علیه حضرت عثمان رضی الله عنه دست داشتند، حتی کعب الاحبار نیز در این توطئه شریک بوده است. دکتر جمیل عبدالله مصری در کتاب ((اثر اهل الکتاب)) می نویسد: فتنه ای که امت اسلامی در زمان عثمان رضی الله عنه با آن مواجه گشت نقشه ای بود که یهود و نصاری و سایر دشمنان حکومت اسلامی در طرح آن شریک بودند. (ص: 247) نیز می افزاید: چون کعب در مدینه و شام زمینه را آماده کرد، عبدالله بت سبا به کمک دیگر دشمنان سرگرم اجرای نقشه گردید، او تبلیغات گسترده و سازمان یافته ای جهت ایجاد تفرقه در صفوف مسلمین به راه انداخت و تعدادی از افراد هرج و مرج طلب را به مناطق مسلمین گسیل داشت که این دعوت در بصره و کوفه و مصر طرفدارانی پیدا کرد. (ص: 249).
- 56- در روایت دیگری چند روز قبل از این تاریخ ذکر شده است.
- 57- العبقریات الاسلامیه، ص: 708.
- 58- العبقریات الاسلامیه، ص: 708-709
- 59- همان، ص: 837.
- 60- علامه ابن امیر الحاج، التقرير و التحریر شرح التحریر: 260/2، چاپ بولاق مصر 1316 هـ